

## حقوق تجارت

### حد نصاب مجامع عمومی

برای آنکه تشکیل مجامع عمومی رسمیت داشته و تصمیماتی که در مجامع مزبور اتخاذ میشود نافذ بوده و قابل ترتیب اثر قانونی باشد قانون تجارت حضور عده معینی از شرکاء را که مجموع سهام آنها معادل یا مقدار معینی از سرمایه شرکت باشد در مجامع عمومی ملاک قرار داده و حد اقلی را که قانون از حیث تعداد شرکاء و مقدار سهام آنها نسبت به سرمایه شرکت برای این منظور مقرر داشته است حد نصاب گویند. حد نصاب مجامع عمومی نظر با اهمیت موضوع مختلف است ولی قاعده کلی که در ماده ۷۱ ذکر شده آنستکه مجامع عمومی در صورتی قانونی شناخته خواهد شد که یکمده صاحبان سهامی که لااقل نلت سرمایه شرکت را دارا باشند در مجمع مزبور حاضر شوند و اگر در دفعه اول این حد نصاب حاصل نشوند مجمع عمومی جدید مطابق شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تشکیل و تصمیمات این مجمع قطعی خواهد بود ولو اینکه حد نصاب فوق حاصل نشود و بطور کلی طبق ماده ۷۲ تصمیمات مجامع عمومی با اکثریت آراء خواهد بود.

در موارد مفضله ذیل حد نصاب و اکثریت آرائی که قانون برای انعقاد مجامع عمومی و اخذ تصمیمات قطعی تعیین نموده عبارت است از:

۱- در مواردیکه موضوع مجمع عمومی تقویم سهام غیر نقدی یا مطالبه مزایای خاص باشد حضور نصف کل عده شرکائی که خرید سهام نقدی را تعهد کرده اند و نصف کل سرمایه نقدی را دارا باشند لازم است (در این مورد آن قسمت از سرمایه غیر نقدی که موضوع مذاکره و رأی است در جزو

طبق ماده ۶۰ قانون تجارت انعقاد مجمع عمومی فوق العاده بتقاضای ارباب سهام که مجموع سهام آنها لااقل معادل یک خمس سرمایه شرکت باشد و منظور خود را در تقاضانامه ذکر کرده باشند الزامی و اجباری است.

در مورد ماده مزبور اگر مدیران در دعوت مجمع مسامحه و تغلل ورزند هر چند که قانون تکلیف صریحی برای متقاضیان تعیین ننموده ولی نظر باستنباط از روح ماده دائر بالزام کلی در تشکیل مجمع مانعی نخواهد داشت اگر خود آنها بدعوت مجمع مبادرت جویند در این موارد کلام در آن است که پس از انقضاء چه مدتی متقاضیان میتوانند شخصاً اقدام کنند. چون نص صریحی دیده نمی شود امر مزبور باملاحظه فرصتی که معمولاً مدیران شرکت در تهیه وسیله مقدماتی دعوت مجامع شرکت لازم دارند تابع عرف خواهد بود.

علاوه بر مجامع عمومی شرح فوق بوجوب صریح ماده ۷۷ قانون تجارت تشکیل جلسه خاصی توسط یکمده صاحبان سهام بینی شده است.

قید ماده فوق الذکر چنانچه در گذشته ملاحظه شد برای حفظ حقوق صاحبان نوع خاص از سهامی است که ممکن است در مجمع عمومی در اقلیت واقع شوند.

حد نصاب جلسه چنانچه در ماده تصریح شده عده حاضرین باید لااقل بیش از نصف سرمایه مجموع سهامی باشند که موضوع مذاکره است دارا باشند و اعتبار تصمیمات جلسه مذکور از لحاظ رأی نظر به تقد هرگونه دستور صریحی باستنباط از کلیات و قیاس بحکم کلی ماده ۷۲ قانون تجارت با اکثریت آراء خواهد بود.

الذکر با اکثریت دو نلث آراء حاضر گرفته میشود و در مجمع مزبور کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهام خود حق حضور و نسبت هر یک سهم یک رأی دارند ولو اینکه اساسنامه برخلاف این مقرر داشته باشد.

### رئیس مجامع عمومی

کریچه در قانون تجارت طرز انتخاب و تعیین وظایف و تکالیف و حدود اختیارات رئیس مجامع عمومی شرکت پیش بینی نشده ولی اغلب در اساسنامه شرکت مقررات خاصی راجع بمطالب فوق الذکر قید میگردد و هرگاه اساسنامه شرکت نیز در این موضوع ساکت باشد قاعده کلی آنست که هر مجمع عمومی بکنفر رئیس برای حفظ انتظامات و اداره کردن آن مجمع انتخاب می نماید.

رئیس مزبور مسئول حسن جریان جلسه بوده و معمولاً اختیار دارد اشخاصی که باعث اتلاف وقت شده و خواسته باشند بیش از حد معمول راجع بموضوعی مذاکره نکنند جلو گیری نماید ولی هر آینه رئیس ختم مجمع را معجلا و قبل از کافی بودن مذاکرات اعلام دارد میتوان رئیس دیگری بجای او انتخاب نمود.

رئیس مزبور باید نوع جلسه را و همچنین تصمیمات متخذه را در صورت مجلس مربوطه قید و امضاء نماید.

### حق حضور در مجامع عمومی

بطوریکه ماده ۶۶ مقرر میدارد شرایط حق ورود در مجامع عمومی را ( از لحاظ داشتن تعداد معین از سهام) اساسنامه شرکت تعیین میکند بنا بر این اگر راجع باین موضوع در اساسنامه ذکری نشده باشد هر دارنده سهمی حق حضور در مجمع عمومی شرکت را خواهد داشت و رأی او نیز جزء کل آراء احتساب شود مگر آنکه نسبت بحق رأی اساسنامه مقررات خاصی تعیین نموده باشد.

### رأی:

جز در مواردیکه اساسنامه مقررات خاصی تعیین نموده هر دارنده سهمی که در مجمع عمومی شرکت حاضر باشد

سرمایه شرکت محسوب نخواهد شد) در این موضوع اتخاذ تصمیم با اکثریت دو نلث قطعی میشود.

در مجمع فوق الذکر اگر نصف عده نمیدان کنندگان سهام نقدی و نصف دارندگان سرمایه نقدی حاضر نشوند مجمع موقتی است و باید طبق مدلول ماده ۴۵ رفتار شود.

۲ - در مواردیکه رسیدگی بصحت و سقم اظهارات مؤسسين و انتخاب مدیرها و مفتشین شرکت موضوع مجمع عمومی است یکعده دارندگان سهام باید حاضر شوند که لا اقل نصف سرمایه شرکت را دارا باشند.

اگر حد نصاب مزبور در اولین دفعه بعمل نیاید مجمع موقتی است و مجمع جدیدی دعوت میشود و اگر پس از آنکه لا اقل یکماه قبل از انعقاد مجمع دو دفعه متوالی بفاصله هشت ریز بوسیله آگهی در جرائد محلی تصمیمات موقتی مجمع سابق اعلان و منتشر شد و مجمع جدید آنرا تصویب نمود تصمیمات مزبور قطعی میشود مشروط بر اینکه در مجمع جدید عده حاضر شوند که لا اقل نلث سرمایه شرکت را دارا باشند.

اخذ تصمیم در مجمع عمومی مزبور با اکثریت آراء طبق ماده ۷۲ بعمل میاید.

۳ - در مواردیکه منظور از تشکیل مجمع عمومی امتداد مدت شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد مقرر یا شروع تغییر دیگری در اساسنامه باشد عده از دارندگان سهام باید حاضر شوند که بیش از سه ربع سرمایه شرکت را دارا باشند.

در صورت عدم حضور عده مزبور مجمع جدیدی طبق دستور ماده ۴۵ دعوت و تشکیل میگردد و تصمیمات مجمع جدید که صاحبان لا اقل نصف سرمایه شرکت در آن حاضر باشند قطعی است و اگر تشکیل ثانوی مجمع مزبور نیز عملی نشود. با رعایت تشریفات مذکوره در ماده ۴۵ مجمع عمومی دیگری دعوت و حضور صاحبان لا اقل نلث سرمایه شرکت برای قانونی بودن مجمع کافی خواهد بود.

تصمیمات در هر یک از سه مجمع فوق در موارد اخیر-

اولاً نسبت برای علی حق يك رای - ثانیاً نسبت برای مخفی به نسبت هر يك سهم حق يك رای خواهد داشت .

طبق ماده ۶۸ نوع سهام چه معمولی چه ممتازه تأثیری در حق ای دارندگان سهام ندارد مگر اینکه اساسنامه شرکت طور دیگری مقرر کرده باشد و اغلب رخ میدهد که اساسنامه شرکت دارندگان سهام ممتازه را از حق حضور در مجمع عمومی و حق رای محروم میدارد .

بطور کلی اساسنامه شرکت عده آرائی را که هر يك از شرکاء نسبت بعهده سهام خود دارند تعیین می نماید در این صورت هرگاه دارندگان سهامی که عده سهام هر يك از آنها برای حضور یا رای در مجمع عمومی کافی نباشد میتواند باندازه که مجموع عده سهام آنها برای داشتن حق حضور و رای کافی باشد بایکدیگر متفق شده يك نفر را از میان خود برای حضور و رای در مجمع مذکور معین نماید ظاهراً فقط در مورد ماده ۴۹ که مفاد آن در فوق ذکر شد میتوان از این حق قانونی استفاده کرد و بعنوان وکالت در مجمع عمومی حاضر شده و رای داد زیرا در سایر موارد حضور در مجمع عمومی و دادن رای بعنوان وکالت منوط بر این است که اساسنامه شرکت چنین امری را جریز دانسته باشد .

در صورتیکه اساسنامه شرکت با استفاده از مواد ۶۶ و ۶۷ قانون تجارت مقررات خاصی برای حضور در مجمع عمومی و حق رای شرکاء تعیین نموده باشد رعایت مقررات مربوطه واجب است مگر در مواقعی که مجمع عمومی برای اجراء مدلول مواد ۴۱ و ۴۵ قانون تجارت منعقد میگردد که در این صورت مقررات مذکوره در اساسنامه استثناء لازم الرعایه نبوده و کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهامی که دارند میتوانند حضور بهم رسانیده و رای دهند .

### ورقه حاضر غائب

بطوریکه ماده ۷۵ مقرر میدارد در مجمع عمومی ورقه حاضر و غائبی خواهد بود حاوی اسم - محل اقامت - و عده سهام هر يك از شرکاء و ورقه مزبور پس از تصدیق هیئت رئیسه مجمع در مرکز شرکت حفظ و بهر کسی که تقاضا نمساید ارائه

می شود .

این نکته را باید نیز متذکر بود که همیشه صورت - مجلسی از کلیه مجامع عمومی با ذکر نوع آنها ( قانونی ، معمولی یا سالیانه و یا فوق العاده ) تهیه و تصدیق و با امضاء رئیس مجلس رسیده و در دفتر مخصوص این کار ضبط میگردد . صورت مجلسی که باین نحو تهیه شده باشد سندیت داشته و ظاهراً حاکی از آرائی است که تصدیقاتی که در آن قید شده صحیحاً انجام گرفته است مگر آنکه خلاف آن ثبت شود . بطوریکه ذکر شد صورت جلسه مزبور نسبت به موضوعی که در آن قید شده ظاهراً سندیت دارد مگر نسبت به در موضوع ذیل :

۱ - تغییر تابعیت شرکت .

۲ - افزودن بر تعهدات دارندگان سهام .

موارد فوق را قانون از حدود اختیارات مجمع عمومی خارج نموده است .

### آثار تصمیمات مجمع عمومی شرکت

تصمیمات مجمع شرکت بلاخره در حکم آن است که مراتب مورد رای مجمع قبلاً در شرکت نامه یا اساسنامه شرکت پیش بینی شده باشد بنا بر این کیفیت تأثیر مندرجات شرکت نامه یا اساسنامه نسبت بشرکت و شرکاء و اشخاص ثالث درباره تصمیمات مجمع عمومی نیز جاری است لذا اشخاص ثالث زمانی میتوانند شرکت را با استناد تصمیمات مجمع عمومی آن مکلف بانجام اموری نمایند که تصمیمات مزبور ایجاد تمهیدی نسبت بآنان نموده یا آنکه اشخاص ثالث صریحاً با استناد تصمیمات مزبور و از در قرار داد یا شرکت شده که بتوان آنرا جزء شروط اساسی قرارداد فرض نمود و الا اگر تصمیمات مزبور جنبه تمهید نداشته و صرفاً بوعده تعبیر شود هیچگاه نمی توان شرکت را بانجام آن ملزم نمود .

تشخیص وعده یا تعهدات امری است که حکم آن با اوضاع و احوال قضیه خواهد بود .

### بطلان شرکت و بطلان اعمال و تصمیمات آن

برای آنکه شرکت سهامی قانوناً تشکیل شده و ابرادی

بشرازی و تصمیمات دارندگان سهام که توسط مجمع عمومی انجام میشود بنا بر این میتوان گفت که انحلال شرکت با اجباری است و یا اختیاری.

موارد انحلال اجباری:

- ۱- در مواردیکه مدیر شرکت طبق ماده ۵۸ عمل نکرده و هر ذیحقی بااستناد ماد. ۵۹ قانون تجارت انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا نموده و دادگاه حکم بانحلال دهد.
  - ۲- در موردیکه دادگاه طبق ماده ۴۱۲ در نتیجه حصول وقفه در تأدیبه و جوهی که بر عهده شرکت است حکم بروقف و ورشکستگی شرکت بدهد.
- منظور از انحلال اختیاری آنست که شرکت و طلبکار آن بدون مداخله دادگاه محاسبات خود را تصفیه نمایند بدیهی است امر مزبور مانع از مراجعه به دادگاه در صورت بروز اختلافات نخواهد بود که در این صورت تصفیه امور شرکت ممکن است به قرار دادگاه تحت نظارت دادگاه واقع گردد.

در موارد مفصله ذیل انحلال شرکت اختیاری است:

- ۱- وقتیکه شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده بود انجام داده یا انجام آن غیر مقدور شده باشد.
- ۲- وقتی که شرکت برای مدت معین تشکیل و مدت منقضی شده باشد.
- ۳- در صورت تصمیم مجمع عمومی.

در موارد انحلال اجباری دادگاه مقدماً رسیدگی بماهیت قضیه نموده و در صورت ثبوت و تحقق ادعا حکم بانحلال شرکت میدهد در این صورت شرکت از تاریخ صدور حکم منحل میگردد.

اگر دادگاه بااستناد ماده ۵۹ در نتیجه تقاضای شخص ذیحقی حکم بانحلال شرکت داده باشد غالباً تصفیه امور شرکت را بخود نگاهداری نمینماید منتهی بانظارت دادگاه ولی هرگاه در نتیجه ورشکستگی حکم انحلال از طرف دادگاه صادر شده باشد چنین ارفاقی بعمل نمی آید و تصفیه امور شرکت تابع مقررات ورشکستگی خواهد بود و مسلماً بکنفر

بعملیات آن وارد نگردد. مؤسسه ن شرکت باید مقرراتی را که در مواد ۲۸-۲۹-۳۶-۳۸-۳۹-۴۱-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷ و ۵۰ قانون تجارت ذکر گردیده کاملاً رعایت نمایند زیرا هر شرکت سهامی که مقررات یکی از مواد مذکوره فوق را بموقع اجرا نگذاشته باشد از درجه اعتبار ساقط و بلا اثر خواهد بود و هرگاه پس از ثبوت تخلف حکم بر بطلان شرکت یا عملیات آن میدهد.

بطلان عملیاتی که در نتیجه عدم رعایت هر یک از مواد فوق الذکر انجام پذیرد تأثیری در مسئولیت شرکاء نسبت باشخاص خارج نداشته و هیچگاه نمی توان برای رفع مسئولیت بیطلان مزبور استناد نمود.

هرگاه محکمه بیطلان شرکت حکم دهد عمایرت شرکت نیز قهراً باطل و بلا اثر میشود بنابر این نمی توان شرکت را با اجرای تعهداتی که قبل از صدور حکم بر ذمه گرفته ملزم نمود و شخصیکه نتیجه متضرر میشوند میتوانند از مؤسین و کسان دیگری که مسئولیت بطلان بر عهده آنها نیز میشود تقاضای جبران خسارات را نمایند و طبق ماده ۸۵ اگر از تاریخ رفع موجبات بطلان یکسال منقضی شده و اشخاص خارج از جهت معاملاتی که با ایشان شده است بااستناد مواردیکه مورد بطلان و ده دعوی خسارت نکرده باشند دیگر دعوی مزبور از آنها پذیرفته نمیشود.

در موارد مشروحه ذیل دعوی ابطال در محکمه پذیرفته نخواهد شد.

۱- هرگاه قبل از اقامه دعوی موجبات بطلان مرتفع شود.

۲- هرگاه مقرر شده باشد که مجمع عمومی مخصوصی برای رفع موجبات بطلان منعقد شود از تاریخ دعوت مجمع مزبور.

هرگاه از تاریخ حدوث سبب بطلان شرکت ده سال گذشته و اقامه دعوی خسارت نشده باشد.

انحلال شرکت سهامی

انحلال هر شرکت سهامی یا با امر محکمه است یا

شخصیت حقوقی شرکت است زیرا صرف تصمیم باحکم به انحلال و ورشکستگی به شخصیت حقوقی شرکت خاتمه نمیدهد شخصیت حقوقی مزبور زمانی از بین میرود که وجود آن بهیچ عنوان و اعتباری باقی نباشد و امر مزبور موقعی حاصل میشود که عمل تصفیه تمام شده و متصدیان تصفیه ختم عمل را توسط دادگاه اعلام دارد.

پس از تصمیم باحکم بانحلال ورشکستگی صاحبان سهام شرکت در صورتیکه بقیه قیمت اسمی سهام آنان تادیه نشده باشند نسبت بمبلغ مزبور جزء بده کاران شرکت محسوب و بنا بر این انتقال سهام آنها چون نتیجه تبدیل تعهد خواهد بود بدون رضایت متصدیان تصفیه که در این مورد قائم مقام متعهد له میباشد بر حسب مستفاد از مقررات مدنی جایز نخواهد بود

**شرکت با مسئولیت محدود**

اغلب در مواردی که عدد معدودی از اشخاص خواسته باشند مشترکاً وارد کارها و معاملات تجارتي شده و ضمناً مسئولیت خود را محدود نموده و از مزایای شخصیت حقوقی نیز استفاده کنند شرکتی با مسئولیت محدود تشکیل میدهند که نسبت بقروض و تعهدات آن فقط تا میزان سرمایه که در شرکت دارند مسئول باشند.

قسمت مربوط به حدود مسئولیت شرکاء در چنین شرکتی در واقع بی شباهت بشرکتهای سهامی نیست منتهی در شرکت اخیر الذکر سرمایه شرکت بهیچ متساوی قسمت شده ولی در شرکت با مسئولیت محدود سرمایه شرکاء یا قطعات سهام تقسیم نشده و هر مقدار که هر یک از شرکاء مایل باشند در شرکت مزبور گذارده که آنرا سهم الشریکه آنشریک گویند.

قانون تجارت شرکت با مسئولیت محدود را در ماده ۹۴ باین نحو تعریف نموده است که (شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر (۱) برای امور تجارتي (۲) تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه بشیام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد (۳) فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مشمول قروض و تعهدات شرکت هستند (۴)

عضو ناظر و مدیر تصفیه مستقیماً از طرف دادگاه معین خواهد شد که رسیدگی بامور شرکت نموده دارائی شرکت را (در صورت وجود) به نحویکه قانون مقرر داشته است بین طلبکاران تقسیم نمایند.

در موارد انحلال اختیاری مقدمه مجمع عمومی شرکت برای رسیدگی و رأی راجع باین موضوع طبق ماده ۷۴ قانون مزبور تشکیل و اخذ تصمیم می نماید و در صورتیکه مجمع مزبور طبق ماده فوق الذکر رأی بانحلال شرکت دهد شرکت از تاریخ تصمیم منحل و تصفیه امورات طبق مقررات مربوطه تصفیه امور شرکتها که در آن تجارت مندرج است بعمل میآید.

امر تصفیه در شرکتهای سهامی طبق ماده ۲۱۳ بعهد مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه یا مجمع عمومی شرکت طور دیگری مقرر داشته باشد در هر حال در مورد فوق دادگاه چه بطور مستقیم و چه غیر مستقیم دخالتی در امر تصفیه نخواهد کرد مگر آنکه تصفیه طبق مقررات قانون بعمل نیامده باشد و اشخاص ذبحق برای احقاق حق خود به دادگاه مراجعه نمایند.

### آثار انحلال شرکت های سهامی

بطوریکه ملاحظه شد حکم انحلال و ورشکستگی یا تصمیم بانحلال موجب تصفیه امور شرکت خواهد شد لذا از تاریخ حکم یا تصمیم قانونی فوق الذکر کلیه عملیات جاریه شرکت متوقف و بحالت رکود در آمده و رسیدگی بمحاسبات و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارائی شرکت شروع میگردد.

از تاریخ صدور حکم یا تصمیم بانحلال با توجه بشرح فوق و طبق مستفاد از کلیات قانون تجارت شرکت از مداخله در امور خود ممنوع و معاملات آن خاتمه پیدا میکند و در هر مورد مدیر تصفیه باستناد مواد ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۸ قانون تجارت می تواند اگر برای اجراء تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود انجام دهد.

اختیارات متصدیان تصفیه و انجام معاملات باعتبار بقاء

(۱) بموجب ماده فوق الذکر حداقل عدد شرکاء دو نفر است و حد اکثری برای پیش بینی نشده ولی اغلب در این قبیل شرکتهای دیده میشود که شرکاء بیش از ۱۲ نفر نیستند و این امر ظاهراً باین مناسبت است که اگر تعداد شرکاء از عدد مذکور تجاوز نماید شرکت باید طبق مقررات ماده ۱۰۹ دارای هیئت نظار باشد و گو اینکه هیئت مزبور برای هر شرکتی دارای مزایائی است مع هذا چون حدود آن برای شرکاء خالی از اشکال نیست حتی المقدور از ایجاد موجبات تشکیل آن جلوگیری میشود.

(۲) تجاری بودن موضوع و مقصود شرکت از شروط اساسی آنست و در غیر اینصورت با توجه بصراحت ماده بعالت فقدان شرایط مصرحه در تعریف مزبور نمی توان آن را شرکت با مسئولیت محدود که در قانون تجارت پیش بینی شده محسوب داشت تا مضمول مقررات مربوطه گردد تشخیص امور تجاری با عرف است و صرف قصد انتفاع و تقسیم منافع کافی برای احراز آن نمی باشد.

(۳) سرمایه شرکت با مسئولیت محدود بسرمایه یا قطعان سهام تقسیم نمی شود و مرکب است از سهم الشرکه شرکاء که قسمت نقدی آن کاملاً تأدیه و قسمت غیر نقدی آن تقویم و تسلیم شرکت شده و طبق ماده ۹۲ مادام که این عمل انجام نشده باشد شرکت مزبور تشکیل نمیگردد.

نسبت بمیزان سرمایه شرکت مقررات خاصی وضع نشده و احتیاجات تجاری شرکت در تعیین آن مؤثر است سرمایه شرکت مرکب است از سرمایه نقدی و سرمایه غیر نقدی و علاوه بر آن بموجب ماده ۱۱۳ قانون تجارت همه ساله یک بیستم از عایدات خالص برای تشکیل سرمایه احتیاطی کسر میگردد تا سرمایه مزبور بعشر سرمایه اولیه شرکت برسد پس از حصول میزان مزبور کسر ۲۰٪ به اختیار شرکاء است.

### تقلیل و تکثیر سرمایه

با استنباط از مفهوم مخالف ماده ۱۱۲ تقلیل سرمایه ممنوع نخواهد داشت و می توان در موارد ضروری در

صورتیکه مضر بحال طلبکاران شرکت نباشد بشرحی که در شرکتهای سهامی ملاحظه شد بموجب تصمیم شرکاء از سرمایه شرکت کاست و ای افزایش سرمایه شرکت نظر باینکه نتیجه اجبار شرکاء باز دیاد سهم الشرکه خواهد بود از طریق اکثریت غیر ممکن و با استنباط از ماده فوق الذکر با رضایت کلیه شرکاء امکان پذیر است موارد تکثیر سرمایه همان است که در شرکتهای سهامی ملاحظه شد.

(۴) مسئولیت شرکاء در مقابل شرکت و قروض و تعهدات بمیزان سرمایه است که در شرکت گذارده اند یعنی هیچ گاه نمی توان شرکاء را مجبور نمود باینکه چیزی علاوه بر سرمایه نقدی یا غیر نقدی که در شرکت گذارده اند بنبفع شرکت یا طلبکاران آن تأدیه نمایند و هرگاه در موقع انحلال شرکت دارائی شرکت تکافوی تأدیه قروض و تعهدات شرکت را نمایند طلبکاران نمیتوانند بیسبب یک از شرکاء برای وصول بقیه طلب خود مراجعه نمایند مگر در مورد که سرمایه غیر نقدی که شرکاء از بابت سهم الشرکه خود در شرکت تسلیم نموده اند از حیث قیمت تنزل فاحش نموده باشد که در این صورت طلبکاران می توانند برای تفاوت قیمت بکلیه شرکاء مراجعه کنند زیرا ماده ۹۸ مقرر داشته است که شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم الشرکه غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند در این قبیل موارد طلبکاران باید مراقبت نمایند که در موعد قانونی اقدامات لازمه برای وصول مطالبات خود بعمل آورند و مگر مبادا طبق ماده ۹۹ مرور زمان ده ساله از تاریخ تشکیل شرکت مانع از احقاق حق آنها گردد.

مقررات ماده ۹۸ در حقیقت یک امر استثنائی است و با قاعده کلی منافات دارد و میتوان گفت منظور مقنن از وضع ماده مزبور جلوگیری از عملیات سوء اشخاص بوده که ممکن است اشیائی را بقیمتهای معتدبه موهومی تقویم نموده بشرکتی واگذار و نتیجه اعتبارات غیر واقعی برای شرکت قلمداد نمایند که باعث اغفال و ضرر اشخاص گردد.